

## بقلم: آقای مخبر همایون

نکات تاریخی

## بودجه در زمان سلطنت ناصرالدین شاه

بعد از جنگهای عباس میرزا نایب‌السلطنه با روسها و عقد عهدنامه ترکمانچای سرحدات مملکت محدود گردید و اختلافاتی باقی ماند از آنجمله قرار شد که در کمیسوونی با شرکت نمایندگان روسیه و انگلیس باختلاف سرحدی با ترکیه رسیدگی شود.

کمسیون در ترکیه تشکیل گردید و از طرف ایران میرزا تقی خان امیر کبیر به نمایندگی تعیین شد.

سر جوهرن ملکم سیاح و تاریخ نویس معروف انگلیسی مینویسد :  
در آن کمیسوون یک نفر میدانست چه میگوید و آنچه گفت با بیانات خوش و منطقی وفق میداد و آن میرزا تقی خان امیر کبیر بود.

مقرر شده بود ناصرالدین میرزا ولیعهد بقفقازیه برای ملاقات امپراطور روس مسافرت بکنند پروتوکل این مسافرت را میرزا تقی خان امیر کبیر تدوین کرده بود و موافقت سفیر روسیه را هم جلب نموده بود.

تمام احترامات ولیعهد ایران در سرتاسر مسافرت محفوظ و حیثیات ایران کاملاً مراعات شده و میرزا تقیخان خودش باناصرالدین میرزا همسفر بود.

میرزا تقیخان جبهه صدارت را بردوش گرفت بدون فوت وقت اصلاحات اساسی مملکت را در نظر گرفت، یکی از آنها بودجه مملکت بود، لازمه تدوین این بودجه یکی تعیین عایدات و دیگر تعیین مخارج که هر دو در اثر کوچک شدن مملکت محتاج بتجدید نظر بود. برای تعیین عایدات بتمام ولایات ممیزین اعزام شدند،

این ممیزین از مستوفیان بودند .

مستوفیان طبقه باسواد و حسابداران را تشکیل میدادند ، در چهار ولایت مستوفیان پرورش مییافتند .

آشتیان و تفرش و گرگان و نائین .

در آن تاریخ مالیات غیر مستقیم معمول نبود آنچه تادیه میشود ، مستقیم بود محصول هر قریه تخمین میگردد و سهم رعیت (دو پنجم از محصول) باموضوع از بقیه که سهم مالک بوده يك نیز برای مالیات برداشت میشود .

يك مالیات نقدی ظالمانه هم بر رعیت تحمیل میگردد . مالک و اهالی شهرها از مالیات معاف بودند و در واقع این مالیاتی بود که بر کار و زحمت تحمیل میشد ، در نتیجه سرشماری عده افراد ذکور در هر قریه معلوم میشد و مالیات سرانه تعیین میگردد جمع این مبلغ بر عهده رعایا بود و بعدها هر قدر از تعداد رعیت کاسته میگردد عده که بودند به پرداخت آن مجبور بودند .

در شهرها ملاکین بزرگ و تجار ثروتمند از پرداخت مالیات معاف بودند و پرداخت مالیات فقط بر عهده اصناف بود .

پس عایدات مملکت مقداری جنس از ممر کشاورزی بر عهده مالکین و مالیات نقدی بر عهده رعایا بود .

بودجه را کتابچه میگفتند و کتابچه برای هر محل در هر سال تدوین میشد . تعیین مخارج جای دیگر تشریح شد صورت جزو عایدات نزد مستوفیان ولایات مضبوط بود .

صورت جزو عایدات نزد مستوفیان ولایات که بتوسط مستوفیان در پایتخت برای هر سال تدوین میشد عایدات بدون صورت جزو يك قلم نوشته میشد ولی مخارج بجزو تشریح میگردد .

این کتابچه‌ها نزد حکام فرستاده میشد که بر طبق آن عمل کنند. حقوق کارمندان مطابق درخواست خودشان در کتابچه ولایتی درج میشد. و برای هر سال قابل انتقال بود.

این بودجه در حدود ۸۰۰ هزار تومان اضافه عایدات داشت که میبایست وارد خزانه شود این مبلغ در اختیار سلاطین بود هر خرچیکه در کتابچه ثبت شده بود چنانچه پرداخته معادل آن بر اضافه عایدات افزایش مییافت شاه از آن استفاده میکرد چنانکه مخارج افواج پرداخته نمیشد و ناصرالدینشاه از آن استفاده مینمود. هر گاه صاحب حقوقی وفات میکرد و بلاوارث بود مستوفیان این حقوق را غایب متوفی میگفتند.

در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه مقرر شده بود که يك ثلث از حقوق غایب متوفی بِنفع خزانه ضبط شود فقط دو ثلث در حق ورثه برقرار میشد. وقتی در مجلس شورای ملی به بودجه مملکت رسیدگی گردید و این حقوقات در حدود ۳۰۰ هزار تومان باقی بود تا آنکه قانونی گذشت و کسانی که حقوق اداری اخذ میکردند حق اخذ این حقوقهارانداشتند و در نتیجه وراثت اقلام این حقوقات بقدری کوچک شده بودند که به تعقیب ارزش نداشت و بِنفع دولت ضبط گردید.

### حق کارمندان در دوره سلطنت قاجاریه

میرزا تقی خان امیر کبیر برای کارمندان مملکت حقوق تعیین کرد ولی این حقوقات در کتابچه (بودجه) با اسم نوشته شد. بعدها کارمندانی بتعداد زیاد خدمتی انجام نمیدادند ولی حقوق با اسم آنها در کتابچه بحساب آمده و اخذ میکردند. خدمت دولت آزاد بود و درجه اول کارمندان حکام ورؤسای افواج بودند درجه دوم مستوفیان درجه سوم نواب حکام (نایب الحکومه) و سررشته‌داران (حسابدار) و درجه چهارم مأمورین بودند.

حکام به پیشنهاد صدر اعظم و تصویب شاه انتخاب میشدند و این انتخاب نه از نظر لیاقت بود و نه از نظر سابقه نیک. وقتی انتخاب حا کمی لازم میآمد هر داوطلبی که بر مبلغ تقدیمی میافزود انتخاب میشد، برای انتخاب هر حا کم چیزیکه ملحوظ نبود مقبولیت عامه بود ارتشاء در آن تاریخ مباح بود و رشوه را تقدیمی میگفتند حا کم داوطلب تقدیمی سهم شاه و سهم صدر اعظم را میپرداخت و فرمان حکومت او صادر میشد.

تشکیل هیئت دولت معمول نبود وزراء جدا گانه با صدر اعظم ملاقات می کردند و مقدمه هر مذاکره چند و چون بود فقط بعضی از روزها هیئتی با حضور شاه در تالار سلطنتی تشکیل میشد آنچه شاه میفرمود حضار به بلی قربان اکتفاء میکردند.

در این هیئت وزراء و شاهزادگان و داوطلبان حکومت پس از مذاکرات مقدماتی با صدر اعظم برای حصول منظور شرفیاب میشدند. صدراعظم و کامران میرزا نایب السلطنه و وزیر جنگ و منشی مخصوص (مدتی امین الدوله سپس صاحب اختیار) در جلسه از اعضاء ثابت بودند. مذاکره در زمینه مبلغ تقدیمی و انتخاب حا کم یا واگذاری فوجی به صاحب منصبی بود و این مذاکرات محرمانه نبود بلکه وجوه تقدیمی به پول طلا در سینی نقره در مقابل شاه گذاشته میشد و حاجی امین السلطنه صندوق دار آنرا ضبط میکرد و چنانچه مبالغ تقدیمی در کیسهها بحضور آورده میشد شاه کیسه را برداشته وزن میکرد و در مبلغ آن اشتباهی رخ نمیداد.

حکام بستگانی داشتند که بطرف مقر حکومت ملتزم رکاب بودند این بستگان هم بوسیله تقدیمی بحاکم به نیابت حکومت در شهرها و توابع منصوب میشدند.

حا کم با تقدیمی که بشاه و صدراعظم داده بود میبایستی تخمی اقلاده تخم

برداشت کند عده هم چه از اشخاص محلی و چه از آنهاستیکه ملتزم رکاب بودند برای مأموریتی مبلغی تقدیم میکردند. آنها هم هر چه میدادند در حد اقل تخمی ده تخم برداشت میکردند.

چند فقره از این مأموریت هارا برای مثال نقل می کنیم:

در راهی از اموال تاجری سرقتی بعمل آمده بود مأموری میرفت برای تحقیقات تا به بیند اموال چه بوده؟ و در چه محل سرقت شده و سارق که بوده؟ و منظور عمده از این تحقیقات این بود که سارق که غالباً از رؤسای ایلات و از متنفذین محل بود سهم حاکم را از عهده بر آید. خود مأمور هم البته سهمی میداشت. ما بین دو نفر از خوانین یا متنفذین نزاعی در گرفته بود مأموری میرفت و دستخالی بر نمیگشت طرفین منازعه هر دو مقصر یا بی تقصیر محکوم بودند که جریمه بپردازند. در اول بهار غالباً مأمورین با طرف میرفتند تا اعلام کنند که شکار ممنوع است دیگر سالی یکمرتبه مأمورینی بدهات میرفتند تا اعلام کنند که آبله کوبی اجباری است این مأمورین وارد خانه کدخدا میشدند اول خدمت کدخدا پذیرائی شایسته از او میگردید سپس با انعام و پیش کشی روانه دارالحکومه میشد.

جمع آوری مالیات بر عهده کدخدایان بود. مخارج پذیرائی مأمورین را از هر بابت تومان شمار بر میزان مالیات نقدی و بدهی هر رعیت افزوده وصول میکرد پس چنانچه ملاحظه شد آنچه بشاه تقدیم میگردید دست بدست بر رعیت تحمیل میشد و هر طبقه از این راه ارتزاق میکردند ولی حاکم و نواب و مأمورین بسذری کاشته بودند و حاصلی بر میداشتند ولی شاه بسذری نکاشته بود و حاصل عمده باو تعلق میگرفت و رعیت با کدیمین و عرق جبین بسذری کاشته بود و حاصلی که برداشته بود ناچار بود برای کیسه شاه بفرستد و پرداخت حقوق تمام مأمورین در حقیقت بر عهده رعیت بود.

پایه عدالت هم‌روی رشاء و ارتشاء قرار داشت. شاه و صدراعظم بخود حق قضاوت میدادند هم مدعی العموم بودند هم قاضی و هم مجری. در ولایات عدالت در محضر حکام جریان داشت.

روزها قبل از ظهر در تالار حکومت حاکم جلوس میکرد اغلب اعیان و تجار هم آنجا حضور داشتند. دعوی مطرح میشد و همه داخل در مذاکره میکردیدند ولی بالاخره فقط رای حاکم مؤثر بود و این تأثیر از تقدیمی بود که بشاه پرداخته بود. بزرگترین مؤسسه‌ی اداره حکومت فراشخانه بود تحت ریاست فراشباشی و کمتر اتفاق می‌افتاد که این رئیس اداره اسم خود را بتواند بنویسد ولی وظایف این اداره حائز بسی اهمیت بود. یکی اموری که حالا مربوط بشهر بانی است و دیگری به جنحه و جنایات و برای رسیدگی بتمام این امور چوب و فلک در کار بود. متهم خواه بر او وارد بود و یا نبود ضربات تر که یا شلاق بر کف پای او بالاخره برای خلاصی خود باقرار تن در میداد. این چوب و فلک در مواردی هم در محضر حاکم بکار برده میشد.

در سال ۱۳۰۰ هجری قمری ناصرالدین‌شاه از اروپا مراجعت کرده و در نظر گرفت بیک نفر اروپائی را برای تأسیس اداره شهر بانی در تهران استخدام کند. در آن تاریخ دولت آلمان هنوز در ایران نماینده سیاسی نداشت ولی دولت اطریش نماینده داشت و طرف توجه بود.

اول دوره معلمینی که از اروپا بایران آمدند در موقع تأسیس مدرسه دارالفنون فرانسوی بودند.

برای تدریس علوم ریاضی و معدن شناسی و نجوم معلمین فرانسوی استخدام شدند و زبان فرانسه توسعه یافت ولی برای نظام از اطریش صاحب منصب استخدام شد و برای شهر بانی هم از این کشور افسری بنام کنت دو مونت فورت (Cont de mont frte) استخدام گردید.

این صاحب منصب اصلاً از نجبای ایتالیا بود ولی مداخلات وزیر نظام و نایب السلطنه حاکم و نایب الحکومه طهران مانع بودند که در اداره شهر بانی انتظامات پا برجا شود.

این رئیس شهر بانی که کنت نامیده میشد يك پارك عمومی تأسیس کرد. محل آن طرف دروازه دولت بین خیابان سعدی و انتهای لاله زار نو بود. چهارراه کنت هنوز باقی است اولاد او در ایران بزرگ شده بودند و فارسی را خوب تکلم میکردند. کنت و زنش سی سال متجاوز در ایران زندگی کرده بودند روزی بحکم طبیعت کنت دار دنیا را وداع گفت زنش جنازه شوهر را ترك نکرده از خدا مرگ خواست روز دیگر او هم بشوهر پیوست پسر ارشدش موسیقی دان لایقی بود يك باشگاه موسیقی تأسیس کرد و آلات موسیقی از قبیل پیانو و ویلن رواج یافت پسر سوم او در شکه کرایه اسبی را برای اولین مرتبه در میدان سپه باختیار عموم گذاشت.

### حکمت

ملك از خردمندان جمال گیرد و دین از دانشمندان کمال  
پذیرد و پادشاهان بصحبت خردمندان از آن محتاج ترند که خردمندان  
بقرب پادشاهان.

#### قطعه

پندی اگر بشنوی ای پادشاه  
در همه عالم به از این پند نیست  
جز بخردمند مفرما عمل  
گرچه عمل کار خردمند نیست

( سعدی )